



مکاسب محرمه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحث و کلام در باب سب بود. در جلسه قبل نکاتی در مفهوم شناسی سب و نسبت آن با مترادفات و متشابهات آن بیان کردیم و در ادامه نیز نکاتی در تکمیل بحث مفهوم شناسی سب بیان می‌کنیم.

عدم قصدی بودن عنوان سب و شتم

در اینکه عنوان سب و شتم یک عنوان قصدی است و یا اینکه قصدی و اختیاری بودن در این عنوان لحاظ نشده است دو دیدگاه وجود دارد، عده‌ای مانند آیت‌الله سبحانی در کتاب خود این عنوان را یک عنوان قصدی محسوب کرده‌اند و آن را متقوم به قصد می‌دانند که البته به نظر ما این تصور، تصور تامی نیست و این عنوان یک عنوان قصدی نیست و شاهد این مطلب هم این است که در مواردی که شخصی بدون قصد و علم منقصتی را به دیگری نسبت می‌دهد، عرف می‌گوید او را شتم کرده و دشنام داده است هر چند به دلیل عدم علم و عدم قصد سب او را مواخذه نمی‌کند به خلاف بیع که عرف آن را عنوانی قصدی می‌داند.

عدم اختلاف نظر در تعریف سب

مرحوم شیخ در کتاب مکاسب محرمه در ذیل بحث سب می‌فرماید که سب چند جور معنا شده است بعضی آن را به شتم تعریف کرده‌اند و بعضی این‌گونه تعریف کرده‌اند وصفه بما يُنْقَضُ وَيَنْقُضُ. ظاهر کلام شیخ این است که در تعریف سب نظریات مختلفی وجود دارد که چنین اختلاف و تقابلی در تعریف سب وجود ندارد بلکه سب در بعضی کتب با واسطه و در بعضی دیگر بدون واسطه تعریف شده است و این به معنای تقابل در تعریف نیست.



بحثی در اعتبار یا عدم اعتبار قید وجیع در شتم

نکته‌ای که در مفهوم شناسی سب وجود دارد این است که در تعاریف اکثر لغویان سب، مطلق شتم معنا شده بود و تنها در مفردات سب به شتم وجیع معنا شده بود. اگر دقتی در تعریف شتم به لحاظ اعتبار و یا عدم اعتبار این قید شود بعید نیست که بگوییم از این جهت شبهه مفهومی در سب وجود دارد به این بیان که ممکن است در مورد بعضی اسناد نقص‌هایی در درجات خفیفه آن بین پدر و فرزند یا شاگرد و استاد و یا بین دوستان متداول است، بگوییم یا سب نیست و یا حداقل اینکه در صدق سب بر این موارد شبهه مفهومی وجود دارد که البته به نظر ما بعید نیست در این موارد که در درجات خفیفه آن متداول است، عنوان سب بر آن‌ها صدق نکند و در صدق عنوان سب، ازراء و اسناد نقص معتنا به شرط باشد.

خبری بودن سب و انشائی بودن لعن

نکته دیگری که در تکمیل بحث مفهوم شناسی سب، مناسب است بیان شود در انشایی و یا خبری بودن دو مفهوم سب و لعن است در این مسئله دو دیدگاه وجود دارد یک دیدگاه که منتسب به مرحوم ایروانی است این است که سب، اخباری و خبری است به خلاف لعن که انشائی است و در نقطه مقابل آقای سبحانی قائل‌اند که هم عنوان سب و هم عنوان لعن گاهی خبری است و گاهی انشائی مثل اینکه گاهی شخصی را این‌گونه صدا می‌کنند یا کلب که این سب است و به صورت انشائی می‌باشد چون ندا انشاء می‌باشد و گاهی هم بگویند انت کلب که خبری است و یا در لعن گاهی می‌گویند لعنک الله و گاهی می‌گویند انت ملعون بنابراین این دو عنوان گاهی خبری و گاهی انشائی می‌باشند. به نظر ما دیدگاه مرحوم ایروانی درست است و سب و شم خبری است منتها این توصیف دیگران به نقص و اسناد نقص گاهی به شکل مطابقی است و گاهی به شکل تضمنی و التزامی هر چند ظاهرش ندا و انشائی باشد و ظاهر اسناد این است که جمله خبری است. در موارد لعن هم هر چند ممکن است گاهی ظاهر جمله، خبریه باشد اما در مقام انشاء می‌باشد. البته به مدلول التزامی و تضمنی در لعن نوعی اسناد نقص به دیگری هست که از این جهت لعن مصداق سب می‌باشد.



ادله حرمت سب و شتم

حرمت سب مورد اتفاق همه فقها می‌باشد بر حرمت آن از ادله اربعه دلیل آورده شده است که به بررسی ادله می‌پردازیم.

دلیل عقلی بر حرمت

اولین دلیلی که بر حرمت بیان شده است دلیل عقلی است به این بیان که سب و شتم دیگران، ظلم، تعدی و ایذا به غیر می‌باشد و ظلم هم از باب مستقلات عقلیه قبیح است.

وجود مراتب در حکم عقل به قبح سب

نکته و سؤالی در اینجا وجود دارد و آن این است که آیا مطلق ظلم، در حد قبح تام عقلی و در مرتبه تحریم عقلی است و یا اینکه ظلم‌های خفیفی هم وجود دارد که هر چند قبیح هستند اما در مرحله حرمت عقلی نیستند بلکه در مرتبه تنزیهی و مانند کراهت در شرع می‌باشند و حکم الزامی در آن‌ها وجود ندارد؟ در این مسئله دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

۱. یک دیدگاه این است تعدی‌های خفیف در حقیقت ظلم نیستند و لذا قبحی ندارند و حکم قبح عقلی یک مرتبه الزامی بیشتر ندارد.

۲. دیدگاه دیگری که در این مسئله وجود دارد و به نظر ما هم این دیدگاه صحیح است این است که حکم عقلی به حسن و قبح دارای مراتب الزامی و یا غیر الزامی می‌باشد و یعنی مواردی را که عقل حکم به قبح آن می‌کند این حکم عقلی دارای دو مرتبه است. یک مرتبه آن الزامی است که همان حرمت عقلی است و مرتبه دیگر آن هم مرتبه غیر الزامی است که کراهت عقلی می‌باشد و در مورد سب هم همه موارد آن حرمت عقلی ندارد بلکه مواردی از سب وجود دارد که هر چند ظلم است اما دارای درجه خفیف قبح عقلی می‌باشد و کراهت عقلی دارد.



ظلم، حیثیت تقیدیه و موضوع حکم عقل به حرمت

نکته دیگری که در اینجا باید ملاحظه شود این است که در احکام عقلیه حیثیات تعلیلیه ترجع الی حیثیات تقیدیّه پس در مورد ما هم سب بما هو سب موضوع حکم عقل نیست بلکه موضوع حکم عقل به حرمت، ظلم می باشد و سب و شتم موضوعیتی ندارند لذا هر کجا که سب و شتم ظلم محسوب نشوند، حکم عقل به حرمت وجود ندارد و لو اینکه مفهوم سب و شتم صدق بکند و تخصصاً از حکم حرمت خارج هستند نه اینکه از باب تخصیص خارج باشند.

ادله قرآنی حرمت سب

بر حرمت سب به دلیل قرآنی هم تمسک شده است که ما دو آیه ۱۴۸ سوره نسا و آیه ۳۰ سوره حج را مورد بررسی قرار می دهیم.

آیه اول: آیه ۱۴۸ سوره نسا

«لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِیماً» نسا/۱۴۸
خداوند نمی پسندد فریاد به ناسزاگویی و بدگویی مگر از ناحیه کسی که مورد ظلم واقع شده است.

بیان استدلال به آیه

جهر بالسوء در روایات به کذب و غنا تطبیق داده شده است و یکی از مصادیق آن سب دیگران می باشد بنابراین سب دیگران مبعوض خداوند و حرام می باشد مگر از ناحیه کسی که مظلوم واقع شده باشد.